

دایره

معماد گورستان

این خیلی مایه تأسف است که حادثه مسجد گور شاد با این عظمت و با این اهمیت
هیچ انعکاسی در تاریخ ما، در ادبیات ما، در کتاب های رمان ما نداشته باشد

رهبر انقلاب

کشورمان است که می‌توانست سوزهای بهترین فیلم‌های حماسی و پر فروش ترین رمان‌های جهان باشد ولی تحت تأثیر سانسور شدید حکومت پهلوی، قرار گرفت و ابعاد این واقعه، تا سال‌ها ناگفته ماند و آن‌چه از این واقعه به دست رسیده، همه از اعترافات قاتلین و خاطرات شاهدان عینی این ماجراست. بررسی این واقعه از این جهت حائز اهمیت است که ابعاد بیشتری از نفوذ جریان غربی و جنایات رضا خان را به نمایش می‌گذارد. کشتار خونین مسجد گوهرشاد، طبل رسوایی شد برای چهره‌ی زشت پهلوی و دربار غرب‌زده‌اش که با لباس روشنفکری، آن را بزرگ کرده بودند. رسوایی کسانی که نسخه‌ی شفا بخش‌شان برای پیشرفت ایران، به تعبیر پوشش و کشف حجاب ختم می‌شد و راز توسعه یافتگی را، از ناخن یا تا نوک سر غربی شدن می‌دانستند. واقعه‌ی مسجد گوهرشاد، بزرگترین سند جنایت رضاشاه و مترسک‌های انگلیسی که با خون شهدای مظلوم گوهرشاد، امضا شد. از آنجا که قیام خونین گوهرشاد، در آثار هنری و کتب تاریخی هنوز جایگاه اصلی خودش را به عنوان نقطه‌ی عطف جریان‌های تاریخ‌ساز، به دست نیآورده‌است؛ این شماره از دیدار، به مناسبت سالگرد قیام گوهرشاد، به بررسی ابعاد مختلف این واقعه پرداخته است.

یک مسئله که به نظر من از این دایره‌اش خیلی وسیع‌تر و مهم‌تر است، خود اصل مسئله‌ی حجاب است. حالا من دیدم که دوستان اینجا «روژه‌خوانی ممنوع» را مطرح کرده بودند، اما «حجاب ممنوع» یک موضوع خیلی مهمی است، که حالا خاطراتی هم که شما اینجا نقل کرده‌اید، غالباً درباره‌ی همین مسئله‌ی حجاب است. البته در این دو سه تا خاطره‌ای که من خواندم، خیلی چیزهای برجسته‌ای نبود. خیلی چیزها را می‌شود پیدا کرد؛ حالا در ذهنیات خود ما حرف‌هایی هست و کسانی که در سنین ما هستند از بزرگترهایشان شنیده‌اند، از مادرهایشان مثلاً که خودشان مواجه بوده‌اند و از خواهرهایشان مثلاً شنیده‌اند؛ هستند هنوز افراد زیادی از این قبیل. مسئله‌ی حجاب دیگر مخصوص مشهد و مسجد گوهرشاد هم نیست. یک قضیه‌ی وسیع همه‌جایی سراسری است در کشور و اقدامی که رضا شاه کرد و مواجهه‌هایی که با رضا شاه شد. اینقدر هم درباره‌ی قضیه‌ی حجاب، خاطره و داستان و اینها می‌توانید پیدا بکنید که من خیال می‌کنم مجموعه‌اش یک چیز عظیمی خواهد شد. حالا شما گفتید مثل اینکه بکیاز آقایان هم - نمی‌دانم کدام یکی از آقایان بودند - بنا دارند رمان بنویسند. خیلی به نظر من مسئله‌ی مهمی است که باز این هم از همان مسائلی است که درست رویش کار نشده و توضیح داده نشد. ببینید شخصیت‌های فرهنگی معروف زمان رضا شاه، مثلاً علی اصغر حکمت - اینها چهره‌ها هستند دیگر - در قضیه‌ی کشف حجاب نقش ایفا کردند، نقش استعماری ایفا کردند، یعنی آن پشت جبهه‌ی حقیقی رضا شاه اینها بودند. رضا شاه تفنگ دستش بوده و اینها کسانی بوده‌اند که فکر می‌ساختند و به رضا شاه جهت‌گیری می‌دادند که او تفنگ را کجا به کار ببرد

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در بازدید از نمایشگاه

گوهرشاد

قضیه‌ی مسجد گوهرشاد برای چه به وجود آمد؟ این را فراموش نکنیم. نکته‌ی محوری، مرحوم حاج آقا حسین قمی است. مرحوم حاج آقا حسین قمی سر مسئله‌ی کشف حجاب گفت من می‌روم با رضا شاه صحبت می‌کنم و مجبورم می‌کنم که گوش کند. با همین نیت از مشهد بلند شد رفت تهران، که البته وقتی رسید تهران، ایشان را از طرف دولتی‌ها هدایت کردند به شاه عبدالعظیم و آنجا در یک جایی نگه داشتند و شاه هم ملاقات نداد. البته ایشان گفته بود می‌روم و به او می‌گویم؛ اگر گوش کرد که هیچی، اگر گوش نکرد همانجا خودم خفه‌اش می‌کنم، می‌کشم مثلاً؛ با این نیت رفته بود و نشد که ملاقات کند و بعد هم از همانجا ایشان را تبعید کردند به عراق.

وقتی که ایشان در تهران بود، علمای مشهد در مسجد گوهرشاد جمع شدند برای اینکه بگویند که اولاً آقای حاج آقا حسین برگردند به مشهد؛ ثانیاً حرف‌هایی که ایشان خواسته‌اند، باید تحقق پیدا کند. اصلاً اجتماع علما در کشیک‌خانه‌ی مسجد گوهرشاد که بعد منجر به اجتماع مردم شد، برای این بود. یعنی عنصر مرحوم حاج آقا حسین قمی فراموش نشود؛ یک ملای واقعاً مجاهد فی سبیل الله ترس آماده‌ای که حاضر بود برود در دهان شیر دیگر، یعنی هیچ ابایی نداشت. از اینجا هم که بلند شد رفت، تنها رفت؛ با خودش مثلاً خشم و خدم و اینها نبرد، فقط دوتا از پسرهایش ظاهراً رفتند. این نکته‌ی قابل توجهی است. نکته‌ی دیگر این است که ببینید یک وقت قضیه‌ی مسجد گوهرشاد را از نگاه یک جامعه‌ی تاریخی که اتفاق افتاده نگاه می‌کنید؛ آن همین است دیگر همینی است که تصویرهای این جوری کشیده می‌شود؛ جمع شدند، مأمورین دولتی ریختند اینها را کشتند. البته کشتار فقط در مسجد هم نبوده، بلکه بیرون، در فلکه - آن فلکه‌ی قدیم که البته حالا دیگر نیست - بست پایین خیابان، جلوی آن باصلاح خیابان تهران، یعنی خیابان امام رضا (علیه‌السلام) اینجاها همه آدم کشته شده. همین در جنوبی مسجد گوهرشاد که الان آن در جنوبی بسته است و در محل صحن قدس را درست کرده‌اند، آنجا به عوض صحن قدس یک راهرویی بود که می‌آمد در مسجد گوهرشاد و در همان راهرو عده‌ی زیادی کشته شدند که قضایایش را من نمی‌دانم کجا خواندم و الان واقعاً یادم نیست



رهبر معظم انقلاب:

«توطئه‌ی ضدملی و ضداسلامی کشف حجاب به خشن‌ترین شکل ممکن توسط پهلوی اول عملیاتی شد. رضاخان قلندر وقتی خواست از غرب برای ما سوغات بیاورد، اولین چیزی که آورد، عبارت از لباس و رفع حجاب بود؛ آن هم با زور سر نیزه و همان قلندری فزاقی خودش!»

قیام گوهرشاد

واقعه مسجد گوهرشاد، در پی تجمع مردم مشهد در تیر ماه ۱۳۱۴ در اعتراض به قانون تغییر لباس رخ داد. علت اصلی این تجمع اعتراض به اجباری شدن کشف حجاب و کلاه شاپو و سیاست‌های تغییر لباس، و حضر آیت الله سید حسین قمی (در پی اعتراض به قوانین تغییر لباس) بود.

از فرق سر تا ناخن با، فرنگی

از سال‌های قبل مشروطه تا روزهای سلطنت رضاخان، رجال سیاسی که پایشان به غرب باز می‌شد، محور زیبایی‌های ممالک غربی می‌شدند. مثل میرزا ملکم خان، میرزا فتحعلی آخوندزاده و تقی‌زاده، وزیر وقت حکومت رضاخان که لب مطلب را اینطوری می‌گفت: «تنها راه پیشرفت ما این است که از فرق سر تا ناخن با یکسره فرنگی شویم». روشنفکران آن دوره با تمام دک و پریشان و بعد از آن همه ادعاهایشان علیه استبداد و سلطنت، حالا شده بودند مشاوران و معاونان رضاخان کبیر. استبداد رضاخان دیگر برایشان بد نبود چون به نفع استعمار بود. مشیرالدوله و مصدق السلطنه مرتب با رضاخان جلسات مشاوره داشتند اسکندر میرزا و تقی زاده و داور و فروغی هم که شده بودند وزرای دولتی.

هم بساط حوزه ها و عیال هاری هاراجمعی می کردند و هم می خواستند به قول جلال ال احمد با «زرتشتی بازی» ملت را جلوی اسلام در بیاورند. هم برای پیشرفت مملکت کشف حجاب و کلاه شاپو را اجباری می کردند و هم فریادهای جرب و شیرین با فرنگ می بستند تقی زاده، کسی که حتی می خواست خط فارسی را عوض کند همان کسی بود که فرزند ۱۳۱۲ نفت را به نفع انگلستان نوشت. از نسخه های شفا بخش این روشنفکران چیزی بیشتر از این در نمی آمد که، ایرانی ها لباسشان را فرنگی کنند، نفت شان را بدهند و صنایع و کالاهای پیش ساخته غربی را مصرف کنند.

زمینه سازی کشف حجاب

جهت آماده ساختن زمینه کشف حجاب مجلس، در ششم دی ماه ۱۳۰۷ قانون متحدالشکل نمودن البسه را تصویب کرده که بر اساس آن، پوشیدن کت و شلوار و کراوات و کلاه فرنگی برای مردان، الزامی شد. تلاش های رضا خان باعث شد تا عده ای از زنان غرب زده، بویژه زنان درباری و دولتمردان، به صورت بی حجاب یا بدحجاب، در مجامع و معابر عمومی ظاهر شوند و مردم نیز تحت تاثیر اختناق و ظلم رضاخان، حساسیت لازم را از خود نشان ندادند. تعویض کلاه مردان مقدمه کشف حجاب زنان بود، که هیچ کس جرأت نکرد علنا به آن اعتراض کند. شش ماه قبل از کشتار گوهرشاد، دولت فروغی طرحی را اجرا کرد

که بر اساس آن هیچ روحانی ای حق ندارد بدون گواهی و شهادت نامه لباس روحانیت بپوشد اول لباس روحانیت را محدود کردند و بعد میخواستند از مردم جداشان کنند. رضا خیل خوب می دانست برای کشف حجاب زنان و غریبی کردن مردان، اول باید روحانیت را خفه کند. رضاخان برای این که اذهان برای کشف حجاب آماده شود، به وزیر فرهنگ دستور داده بود جشن های متعدد و مختلط برپا کند و زنان را بد حجاب حاضر کند. جشن های مدرسه شاهپور شیراز و میدان جلالیه تهران از این قبیل جشن ها بود که در آن دختران و زنان بدون حجاب حاضر شدند و پایکوبی کردند.

برگزاری جشنهای متعدد در سراسر کشور از جمله جشن شیراز که می توان آن را مقدمه قیام مسجد گوهر شاد نامید، چند ماه قبل از قیام مردم مشهد، برگزاری جشن شیراز با حضور علی اصغر حکمت، وزیر معارف، مقدمه قیام مسجد گوهر شاد محسوب می شود. در این جشن پس از ایراد سخنرانی ها، در خاتمه عده ای از دانشجویان بر روی صحنه نمایان می شوند و تاگهان نقاب از چهره برمی گیرند و از کسرت

آهنگ رقص می توازد و دختران به پای کوبی می پردازند. روز بعد این خبر مانند بمبی در شهر می پودد و عده ای از مردم در مسجد وکیل اجتماع می کنند. در اولین اقدام حسام الدین فال اسیری از علمای شیراز به برگزاری چنین مراسمی اعتراض کرده و آن را از مظاهر بی دینی در جامعه می داند. اعتراض او باعث می شود تا بلافاصله دستگیر و زندانی گردد.

واکنش علما

اقدامات ضد دینی رضاشاه با واکنش های علمای دینی و مردم همراه شد. در مشهد بسیاری از علما و اساتید در منزل آیت الله سید یونس اردبیلی جمع شدند. در آن جلسه آیت الله سید حسین از علمای بزرگ و مشهور آن زمان که به عنوان مرجع تقلید عام، رهبری فکری جامعه را برعهده داشت تصمیم گرفت به قصد مذاکره و گفتگو با عوامل حکومت رضاخان به تهران برود اما به محض رسیدن به شهر ری، محل اقامتش توسط عوامل رژیم محاصره شد. هنگامی که این خیر به مردم مشهد رسید جماعت گسترده ای از مردم و روحانیت در مسجد گوهرشاد اجتماع کردند. برخی از خطبا بر فراز منبر به تحلیل موضوع پرداختند و در حالی که لحظه به لحظه به جمعیت معترض افزوده می شد، وعاظ و اهل منبر در یک برنامه تنظیم شده زوایای توطئه رضا خان را مورد بررسی و تحلیل قرار می دادند. شیخ محمد تقی بهلول، که تحت تعقیب بود و از شهری به شهر دیگر می رفت، از گرفتاری آیت الله قمی، مطلع شده و خودش را به مشهد رساند و به حرم رضوی رفت؛ ولی مامورین انتظامی ساعاتی پس از ورودش به حرم او را دستگیر نموده و در یکی از اتاق های صحن کهنه بازداشت کردند. ساعاتی پس از بازداشت شیخ محمد تقی بهلول، مردم به تدریج از این امر آگاه شده، و در مقابل محل توقیف او تجمع کرده و او را آزاد کردند. شیخ محمد تقی بهلول می گوید: «من قصد ایجاد وحشت در هیات حاکمه را داشتم و این برنامه ای بود که در تهران و سایر شهرها اجرا کرده بودم و در موارد مختلف دولت مجبور به عقب نشینی شده بود». او همچنین خاطر نشان می کند:

«در مشهد هم می خواستم که چنین بشود؛ ولی نشد، وقتی این منظره پیش آمد و رئیس شهربانی و پلیس ها را زدند، من گجج شده بودم و نمی دانستم چه باید بکنم. در تمام محوطه مسجد و صحن ها صدای مرگ بر شاه و لعنت بر شاه و مرده باد شاه و زنده باد اسلام، لعنت بر بهایی و لعنت بر دشمن علما، بلند بود. وی در ادامه می گوید که با این اتفاقات، دیگر کوتاه آمدن معنا نداشت و ممکن هم نبود؛ از این رو، در یک سخنرانی به مردم گفتم:

«کاری که نباید می شد، شد و ما نباید ترمی نشان دهیم، باید پایمردی کرده و مقاومت کنیم تا حاج اقا حسین قمی را از زندان آزاد کرده و احکام اسلام را جاری کنیم».

سرکوب معترضین

خبر این اعتراض و تحصن به رضا شاه رسید او هم بلافاصله دستور سرکوب مردم را صادر کرد و مردمی که بر اساس غیرت دینی و مخالفت با کشف حجاب و بازداشت آیت الله العظمی قمی در برابر عوامل حکومت مقاومت می کردند، با تهاجم شدید نیروهای رضا خان مواجه شدند. پس از فرار سیدن نیمه های شب و عدم پراکنده شدن مردم، تمام درها و راههای ورود و خروج به مسجد گوهرشاد و حرم بسته شد. در این حال، مردم با کنگ شروع به شکستن درها و اقدام به خروج از آن کردند. در این لحظه بود که دستور شلیک و کشتار مردم صادر شد و مردم بی دفاع و بدون سلاح، در درون و بیرون مسجد، آماج گلوله نظامیان قرار گرفتند. در عرض چند ساعت، کشتار بی رحمانه و عظیمی صورت گرفت و داخل و بیرون مسجد از اجساد کشته شدگان و زخمی ها پر شد و آسیب هایی نیز به مسجد وارد گردید و حرمت حرم رضوی نیز شکسته شد.

دفن شهدا در گورهای جمعی

اختناق و سانسور واقعه گوهرشاد به حدی بود که تقریبا هیچ سندی از آمار کشته شدگان این واقعه وجود ندارد و آنچه باقی مانده است، روایت های تاریخی از شاهدان عینی است. اما در برخی از کتاب ها تعداد شهدای قیام گوهرشاد را بین ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر اعلام کرده اند. به نقل از شاهدان عینی ۵۶ کامیون جنازه، از صحنه کشتار خارج کردند و شهدا و زخمی ها را در گورهای دسته جمعی که از قبل آماده شده بود دفن کردند.



روایت از یک

حجابیت

پاریس پاریس، یکی از آثار سعید تشکری است که با موضوع واقعه تلخ و دردناک مسجد گوهرشاد در تیرماه سال ۱۳۱۴، بر اساس مستندات تاریخی و به روایتی



جذاب و خواندنی نوشته شده است. نویسنده در این کتاب، بر اساس مستنداتی زنده و از نظر دورمانده، وجوهی از تاریخ معاصر ایران و موقعیت و دیدگاه برخی روشنفکران دوران پهلوی در باب واقعه گوهرشاد را، در قالب رمان به تصویر میکشد. پاریس پاریس، سودای تبدیل شدن شهری چون مشهد به شهری چون پاریس است؛ سودایی که پایانش به دالانی هزارتو و بی فرجام می‌ماند. این کتاب را انتشارات «کتاب نیستان» منتشر کرده است.

حکومت پهلوی برای پاک کردن این چنانیت از ذهن عمومی، اختناق و سانسور شدیدی اعمال کرد. به طوری که هیچ روزنامه و انتشاراتی حق چاپ مطلبی مرتبط با واقعه گوهرشاد را نداشت. آنچه که امروز از این واقعه باقی مانده، روایات تاریخی از شاهدان عینی این ماجرا است:

آیت الله خزعلی (ره) نقل می کند: من و پدرم فردای کشتار گوهرشاد به صحنه جنایت رفتیم. شب فاجعه و کشتار خواب سنگینی بر پدرم مستولی گردید به طوری که تا صبح خواب، او را در خود فرو برد. مادرم بعدها تعریف کرد که همان شب از خداوند خواسته بودم همسرم را در خواب فرو برد تا در تجمع یا اعتصاب مردم در گوهرشاد حاضر نشود، چون



پدرم روح پرشوری داشت به یقین اگر در اعتصاب حاضر می شد شهید می گردید، علت دعای مادرم نیز این بود که ایشان بدون پدرم قادر به تأمین مخارج فرزندانش نبود، بنابراین از خداوند خواسته بود تا با نرفتن وی به گوهرشاد، جانش حفظ شود. چنان که گفتم فردای واقعه، با پدرم به محل مذکور رفتیم پدرم از این که نتوانسته بود در اجتماع مردم حاضر شود بسیار عصبانی و خشمگین بود به هر حال آمدیم به سمت بست بالا و بست پایین و صحن نو که حالا صحن آزادی نام دارد، آن جا دیدیم یک نفر تیر خورده است و حالت نیمه جان دارد از او پرسیدم: اهل کجا هستی؟ جواب داد: اهل خواجه ربیع، ما رفتیم و پس از مدتی که برگشتیم جان داده بود. در صحن آزادی مشهد هم کسی را دیدیم که اهل همدان بود، او نیز جان داده بود البته او با وضع بسیار وحشتناکی کشته شده بود. دیدن این صحنه ها چنان بر من تأثیر گذاشت که آن شب تب کردم البته من آن هنگام ده سال بیشتر نداشتم و بنابراین جزئیات وقایع قیام گوهرشاد را در ذهنم نمی توانم تصور کنم. البته مطمئنم تعداد کشته ها بسیار بیش از این دو نفر بود چون زمانی که ما وارد صحنه شدیم زخمی ها با کشته ها را برده بودند، برخی تعداد کشته ها را تا سه هزار نفر تخمین زده اند البته دقیقاً نمی دانم این تعداد تا چه اندازه دقیق باشد. پدرم تا مدت ها می گفت این چه خواب سنگینی بود که مرا در خود فرو برد و نتوانستم در آن جا حاضر شوم. پدرم چون روحانی نبود و لباس عادی می پوشید مأموران معترض او نمی شدند مادرم هم به بندرت بیرون می رفت تا همیشه حجابش را حفظ کند.

رصد مجازی



روزنامه وفا @RezaH_V

امروز یک مأمور جلوی یک دختر مست وای میسته، ضد انقلاب زمین و زمان رو به هم می‌دوزه

حالا ۸۴ سال پیش صدها نفر رو تو یک مکان مقدس کشتن و دسته‌جمعی دفن کردن و ما؟ هیچ، سکوت

کاری کردیم که خندمردترین آدمها بچرم طرفداری از مردم رو دست گرفتن

#قیام_گوهرشاد

در جنگ دو طرف میدان به هم فرصت میدن تا از اجساد سوزان برزاشه شه به خانواده هاتون برگردن حتی اگه فاجعه گوهرشاد جنگ می بود انکارت حکم میکرد اجساد به مردم داده بشه

#قیام_گوهرشاد

۱۳۸۴

A Destaran @A.Destaran

رضا یالاتی/از لات‌های بیسوادمعتاد و قمارباز طهران/مشغول در سفارت هلند بعنوان اسپن‌بازان

تدرج عکس کارمند دون پایه هلندی او را کنار مانتحت اسپیشی قرار داده تا قد رعایت اسب در عکس مشخص شود.

همیل فلتز بی مفا که فقط در #قیام_گوهرشاد دست به قتل عام...انسان زد رو پدر ایران نوین می‌دون؟

روزنامه وفا @RezaH_V

جالب‌تر از همه اینکه رضاخان، شاه به قول خودشون ایران دوست و ملی‌گرا، صدها نفر رو کنار بارگاه امام رضا کشت، اونم به چه جرمی؟ اینکه مردم #کلاه_فرنگی سرشون نمی‌کردن و با کشف حجاب مخالف بودن

اگه ملی‌گرایی اینه که لعنت به هر چی ملی‌گرایی است

#قیام_گوهرشاد

۷:۵۸ ص - ظ - ۱۱ ژوئیه ۱۹

روزنامه وفا @RezaH_V

عزادترین بخش آدمکشی پهلوی در #گوهرشاد، این بود که بنا به گفته جمعی از شاهدان عینی عذابی را بر جانکاه هنوز زنده بودند و صدای ناگهان شنیده می‌شد بر کار نهاد در گزوه‌های دسته‌جمعی دفن کردند.

#قیام_گوهرشاد

۱۱ ژوئیه ۱۹۰۲

سر دبیر: محسن تقی زاده

مدیر مسئول: قاسم ساکنی

صفحه آراء:

محمدرضا عبدالله آبادی

هدیت تحریریه:

محمدرضا عبدالله آبادی، محسن تقی زاده

مهدیه روحانی فر، زینب صلاحی